

اسماعیلیان

سید کاظم روحانی

از آن تألیفات به فارسی ترجمه گردیده است. جالب اینجاست که جریانات و حوادث تاریخی در مورد اسماعیلیه و نیز احوال حسن صباح و باران وی با داستانها و افسانه‌هایی چند همراه گردیده که البته اصالت آن داستان‌ها محل تأمل و تردید است. هر چند مطالب مندرج در آنها آگاهی‌هایی هم بخواننده علاقمند ارائه می‌نماید. در میان تحقیقات و بررسیهای انجام شده پیرامون نهضت اسماعیلیه مهمترین تحقیق مستندی که در این زمانه طبع و نشر گردیده، اطلاعاتی است که در تاریخ ایران کمبریج موجود است.^(۲)

در این کتاب مؤلف حرکت اسماعیلیه را از جنبه‌های سیاسی، تاریخی، فکری، مورد ارزیابی قرار داده است. مطالب مطروحه در این تألیف، مستند، قویم و برای علاقمندان قابل استفاده فراوان خواهد بود.

همان گونه که در فوق اشاره شد بنابراین بود که در این شماره نشریه در باره نهضت اسماعیلیه مقاله مستقلی به رشته تحریر در آید، ولی از آنجا که در زمینه اسماعیلیه بطور مستوفی و کافی

پیشگفتار در طرح مقدماتی تحلیلی بر نهضتهاي سیاسي- دینی ایران اسلامی که در مجله وزین کیهان اندیشه^(۱) طبع یافت، ضمن بر شماری نهضتهاي ایران از قیزون سوم هجری تا عصر صفویه، از جنبش اسماعیلیه هم سخن بهمیان آمد، که می‌باشد طبق توالی تاریخی پس از بررسی نهضت علویان طبرستان و نهضت صاحب الزنج و نهضت انقلابی قرامنه^(۲) در این شماره به بررسی نهضت اسماعیلیه پردازیم.

بدون شک نهضت اسماعیلیه یکی از دیر پاترین حرکتهاي بوده که در ایران و دیگر بلاد اسلامی روی داده است و خصوصاً اثرات فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی در ایران بر جای گذاشته که ابعاد آن در متون و نصوص تاریخی مشهود است. پیرامون احوال و اخبار اسماعیلیان ایران تحقیقات و بررسی‌هایی انجام پذیرفته و کتاب‌ها و رساله‌های متعددی در این زمینه تدوین و تأليف یافته است. همچنین گذشته از نویسنده‌گان این مرز و بوم، محققان و پژوهشگران دیگر بلاد نیز آثاری چند در این باره از خود بر جای نهاده‌اند که پاره‌ای

در تعاقب این امر، ترکان سلجوقی - که از خراسان بزرگ کوچیده و با تصرف آن بلاد قدرت سیاسی قابل توجهی بشمار می‌آمدند - با فروپاشی حکومت غزنیان با خلافت عباسی بیعت نموده و خلیفه هم با ارسال فرمان ولوا و منشور حکومت، مشروعیت قدرت و دولت سلاجقه را که سنی مذهب بودند مورد تأیید قرار داد.^(۶)

تردید نباید داشت که در آستانه ظهور سلاجقه، دنیای اسلام، جهت به دست گرفتن قدرت و رهبری مسلمین و یا اینکه اداره حکومت، دست به رقابت زده بود.

مهمترین مراکز قدرت در آن عصر عبارت بود از:
الف - خلافت بغداد و عباسیان که مختصر

نفوذ معنوی داشتند.

ب - سلاجقه که دارای توان و قدرت سیاسی - نظامی بوده و نیز تأیید کننده حکومت عباسیان بودند.

ج - فاطمیان مصر و داعیان آنها و مبارزه علیه عباسیان (مبارزه سیاسی - دینی).

د - اسماعیلیه در ایران.^(۷)

در کنار این چهار قدرت سیاسی، نظامی و مذهبی، باید از علماء و مدارس علمیه هم نام برداش که در این زمینه بی نفوذ نبودند.

ناگفته نماند که اسماعیلیه زمانی دست به تأسیس حکومت زدند که وضعیت ایران از نظر سیاسی، فکری و اجتماعی مغشوش و مضطرب بود. بدینسان تحولاتی در زمینه مسائل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و... در ایران آن زمان بوجود آمد که اهم آنها از این قرار است:

۱ - جریانات فکری و علمی و طرفداران اصالت فلسفه سرکوب شدند.

۲ - پیروزی سلاجقه پیروزی دوباره اصحاب حدیث و قشرگرایان بود.

تحقیقات و تبعات انجام یافته، و نیز به زبان فارسی، کتب و رسالات متعددی چاپ و منتشر گردیده است.^(۸)

لذا از تحریر تکراری مطالب قسمت مربوط به نهضت اسماعیلیه امتناع ورزیده و خودداری شد. و بدیهی است که این امر، از اهمیت و منزلت این سلسله مقالات نمی‌کاهد.

یادداشت ذیل، فقط ذکر نکاتی است در زمینه ارزیابی تاریخی و سیاسی این نهضت که روشنگر پاره‌ای از مسائل در مورد اسماعیلیان است.

اسماعیلیه در دادگاه تاریخ

یکی از علل و عوامل اصلی بحران سیاسی در عصر سلاجقه ایران، مسأله رهبری دنیای اسلام بود. فاطمیان که خود را منسوب به حضرت فاطمه^(۹) می‌دانستند، دولت شیعه مذهب هفت امامی در مصر تشکیل داده و خود را جانشین اصلی اولاد علی^(۱۰) می‌دانستند.

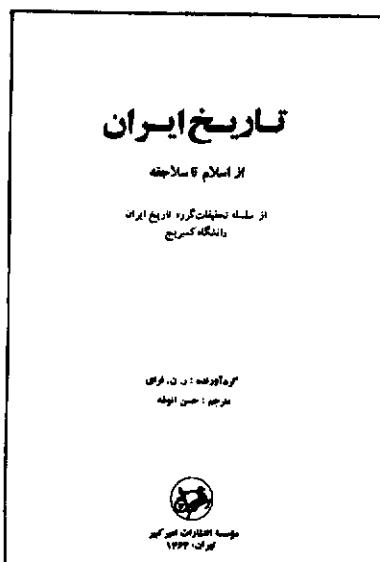
از سویی تأسیس حکومت شیعه مذهب آل بویه و تصرف بغداد و روبه کاهش نهادن نفوذ و قدرت سیاسی خلفای عباسی، موازنہ قدرت را به نفع فاطمیان دگرگون ساخت.

لازم به تذکر است که هر چند آل بویه خلافت عباسی را منقرض نساختند، ولی توانستند نفوذ سیاسی و مذهبی آنان را کاهش داده و به حداقل ممکن برسانند.^(۱۱)

ظهور سیاسی غزنیان و فتوحات سلطان محمود و اطاعت دینی سیاسی وی از خلیفه عباسی، چند گاهی خلافت بغداد را از سقوط نجات داد، چه سلطان محمود مخالفین سیاسی و مذهبی عباسیان را از بین برد (مانند دولت آل بویه و سرکوب علویان ری و دیگر بلاد).

ترکان سلجوقی و قدرت‌های حاکم بود، مبارزه‌ای بسیار پسندیده می‌نمود، اما حسن صباح که خود با هرگونه ستم و خشونت مخالف بود، چگونه خود فدائیان را تشویق می‌کرد که دست به خشونت و قتل و غارت بزنند؟

حسن صباح به خاندان آل علی^(۱) فخر و مباراهات می‌کرد، ولی نباید فراموش کرد که فاطمیان از نظر نحوه حکومت و معیشت دست کمی از عباسیان نداشتند. اگر حسن صباح خلیفه فاطمی را جانشین واقعی پیامبر اسلام^(۲)



می‌دانست در مقابل علمای اهل سنت هم خلیفه عباسی را رئیس معنوی مسلمین تلقی می‌کردند. اسماعیلیان، از سوی خود را طرفدار فلسفه و آزادی فکر و اندیشه مشهور نمودند، ولی از سوی دیگر در نشر و گسترش اعتقادات و نظرات خویش سخت پاپشاری می‌نمودند و متعصبانه رفتار می‌کردند، و حتی مخالفین افکار و معتقدات خود را تهدید می‌نمودند.

ایجاد وحشت و هراس در بین مردم از روش و شیوه‌های شناخته شده اسماعیلیان بود. حتی

۳- استیلای نظامی سلاجقه در خراسان سبب شد تا ایرانیان با جنبش‌های عیاری و پهلوانی (ادامه حرکت عیاران در سیستان) در شهرها دربرابر ترکان مقاومت کنند.

۴- ضربه خوردن و آسیب‌پذیری اقتصاد شهری.

۵- استیلای بزرگان طوایف و قبایل سلجوقی بر زمینهای زراعتی و چراگاهها.^(۳) در اینجا باید یادآور شد: حسن صباح (متوفی ۵۱۸هـ) که ابتدا چشم به قاهره و فاطمیان دوخته بود، با کیاست و فراست سیاسی که داشت، قیام برعلیه سلاجقه و خلافت عباسی را آغاز نمود.

راز موفقیت حسن صباح را در این مورد، می‌توان در چند امر ذیل بدین‌گونه بیان داشت:

۱- پیوند سیاسی و مذهبی اسماعیلیان با مسأله «امامت» و ارتباط با فاطمیان مصر (در مرحله‌ای از کار و مبارزه).

۲- برخورداری از قدرت نظامی و توان رزمی و نیز تربیت نیرو و قوای کارآمد (به نام فدائیان اسماعیلیه).

۳- داشتن مبلغین با سواد و وارد به جدل و استدلال.

۴- تبلیغ علیه عباسیان و سلاجقه به عنوان ظالم و فاقد صلاحیت سیاسی و دینی و نیز تبلیغ برای خود به عنوان تنها دولت و قدرت مشروع در بلاد اسلامی.

۵- طرفداری از فلسفه به عنوان حریمی در برابر حدیث و علمای سنتی مدارس و همچنین وسیله‌ای برای مجاب نمودن مخالفین.

۶- داشتن نیروی نظامی کافی در تمام شهرها.

آنچه در باره اسماعیلیان می‌توان گفت اینکه: مبارزه اسماعیلیه تا آنجا که مبارزه علیه ظلم و ستم

آن به ثبیت مواضع سیاسی خویش می‌پرداختند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه: آیا کسانی که تعقل و توصل به فلسفه را راه و رسم خویش قرار می‌دهند و از آزاداندیشی و آزادی عقیده دفاع می‌نمایند، می‌توانند اندیشه‌های خود را با تهدید و ارعاب به دیگران تحمیل نمایند؟

آنچه که جای دقت و بررسی دارد این است که مبانی اعتقادی و حکومتی اسماعیلیه از نظر «امامت» محل تأمل فراوان است و باید مورد ارزیابی قرار گیرد، زیرا با آنکه اسماعیل-فرزند امام جعفر صادق^(۱)- در زمان حیات پدر بزرگوارش بدرود حیات گفته و همه مردم مدینه شاهد و ناظر این حادثه بوده‌اند، چگونه اسماعیلیه انکار امامت موسی بن جعفر^(۲) نموده و نظر امام معصوم را در این زمینه پذیرا نشده‌اند.^(۳)

این نکته گفتنی است که اسماعیلیه پیشوایان خود را «امام قائم» نامیده و لذا امام دوازدهم (قائم آل محمد)^(۴) را انکار می‌نمودند. و آنان امامت را در افرادی قرار می‌دادند که معصوم و مصون از خطا نبوده‌اند.

در پیابان لازم به تذکر است از آنجا که مسائل مربوط به ظهور و سقوط اسماعیلیه و نیز علل و عوامل آن به تفصیل در منابع و مأخذ تاریخی آمده است، از این‌رو تکرار آن در اینجا ضرورت ندارد.^(۵)

بگونه‌ای که بسیاری از شخصیت‌های علمی را که مخالف عقیده و مرمانت آنان بودند با قتل و ترور از میان برداشتند البته این اعمال خشونت آمیز مورد پذیرش عامه مردم نبود.

تاریخ اسماعیلیان

برناردو لئیس

ترجمه دکتر فریدون بردگی

در اینجا قابل ذکر است که تأسیس مدارس و مؤسسات علمی و مراکز آموزش و تصرف قلاع و دژها، برای مقاومت و استقامت از استکارات حسن صباح بود، که البته تأسیس مدارس، بیشتر جنبه سیاسی و عقیدتی داشت.

جالب توجه است که اسماعیلیان در دوره‌هایی از حیات سیاسی و فکری خود، حمایت از فلسفه را مبنای کار خود قرار داده و با توصل به فلسفه، به توجیه مبانی فرهنگی و اعتقادی و به تبع

یادداشت‌ها:

۱- جی، بول، تاریخ ایران کمبریج، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان جلد پنجم، مترجم، حسن انشوه، تهران انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶ (بخش پیعمد دولت، اسماعیلی از صفحه ۳۹۵ تا ۴۴۸).

۲- رک: مجله کیهان اندیشه شماره ۲۱ (آذر و دی ۱۳۶۷) ص ۸۸ و ۸۹.

۳- رک: مجله کیهان اندیشه، به ترتیب در شماره‌های ۲۱ و ۲۲ در ۲۴ و ۲۵ درج گردیده است.

شده، بخش سوم: دین در دوره سلجوقی از ص ۲۶۹ تا

۲۸۰

۹- نگارنده تفصیل این نکته را در بررسی نهضت انقلابی قرامطة آورده است؛ مراجمه شود به مجله کیهان اندیشه شماره ۲۴ (خرداد و تیر ۱۳۶۸).

۱۰- اجمالاً نگاه کنید به: ابوالقاسم کاشانی، تاریخ اسماعیلیه (بخشی از زبدۃالتاریخ)، تصحیح محمد تقی دانش پژوه، تبریز، ۱۳۴۳، عطا ملک جوینی، تاریخ جهانگشا، با خشن مربوط به اسماعیلیه، خواجه رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، بخش مربوط به اسماعیلیه خواجه نصیر الدین طوسی، روضۃالتسلیم، تصحیح ایوانف، بعثیتی ۱۹۵۰، حمد الله مستوفی، تاریخ گزیده به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۶، محمد بن زین العابدین خراسانی فدائی، تاریخ اسماعیلیه یا هدایۃالمؤمنین الطالبین، به تصحیح و اهتمام الکساندر سیمیونوف، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۲، استاد برنارد لوئیس، تاریخ اسماعیلیان، ترجمه دکتر فریدون بدراهی، تهران، طوس، ۱۳۶۲، هاجسن، فرقہ اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدراهی، تهران.

۴- در زمینه اسماعیلیان، برنارد لوئیس، اثر ارزنده‌ای دارد که از بهترین کارهای تحقیقی او بشمار می‌رود، «الفضل للمتقدمة».

۵- اشیولر به این نکته اشاره دارد. نگاه کنید به: تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج اول، ترجمه جواد فلاطوری، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، از صفحه ۱۶۹ به بعد مقایسه شود با کتاب آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر، تألیف استاد علی اصغر فقیهی، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۵۷.

۶- محمدبن علی بن سلیمان السراوندی، زاخة الصدور و آیةالسرور در تاریخ آل سلجوق، به سعی و اهتمام محمد اقبال، با تصحیحات لازم مجتبی مینوی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴، صفحه ۸۶ به بعد.

۷- کارل بروکلمان، تاریخ دول و ممل اسلامی، ترجمه دکتر هادی جزایری، تهران، شرکت ترجمه و نشر کتاب سابق و مقایسه شود با کتاب طبقات سلاطین اسلام، لین پول، ترجمه مرحوم عباس اقبال.

۸- جی. آ- بویل، تاریخ ایران کمیریج، ج ۵ با مشخصات یاد

